[خطبه‌ي اول 1](#_Toc450200710)

[اخلاق مصرف و هزينه در اسلام 2](#_Toc450200711)

[نظريه‌هاي مصرف و هزينه 3](#_Toc450200712)

[در نظام‌هاي سرمايه‌داري 3](#_Toc450200713)

[در نظام اسلامي 4](#_Toc450200714)

[محورهاي سلبي مصرف و هزينه 5](#_Toc450200715)

[اسراف و تبذير 5](#_Toc450200716)

[اسراف و تبذير در قرآن كريم 5](#_Toc450200717)

[اسراف و تبذير در لغت و اصطلاح 8](#_Toc450200718)

[فرق بين اسراف و تبذير 9](#_Toc450200719)

[خطبه دوم 11](#_Toc450200720)

[دو نكته از مسائل جهاني 11](#_Toc450200721)

[1.پاپ و نقد فرهنگ آمريكايي- غربي…………. 12](#_Toc450200722)

[رشد فساد و فحشا و بي‌معنا شدن خانواده 12](#_Toc450200723)

[2.تبعيض نژادي در آمريكا.............. 13](#_Toc450200724)

[رغبت جامعه‌ي سياه‌پوستي به اسلام 14](#_Toc450200725)

[درس‌آموزي اين دو قضيه براي ما 14](#_Toc450200726)

[دعا 14](#_Toc450200727)

## خطبه‌ي اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم ‏الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه؛[[1]](#footnote-1) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم‏يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه‌ي شما برادران و خواهران گرامي و خود را به پرهيز از گناه و تقواي الهي و اطاعت دستورات و وظائف الهي و ذكر و ياد خداوند سفارش و دعوت مي‌كنم. از خداوند كريم مي‌خواهيم كه به همه‌ي ما توفيق بندگي خالصانه‌ي خود را عنايت بفرمايد.

### اخلاق مصرف و هزينه در اسلام

يكي ديگر از مسائل اخلاقي كه در زندگي اقتصادي، در اسلام بر روي آن تاكيد فراوان شده، مسئله‌ي اسراف و تبذير است. همان طور كه اطلاع داريد مدتي است كه در هر خطبه‌، يكي از موضوعات اخلاقي كه با مسائل مالي و اقتصادي ارتباط دارد، مطرح مي‌شود؛ در هفته‌هاي گذشته به بررسي مسائل اخلاقي كه در معاملات، تجارت و كار اقتصادي، اسلام ما را به آن مامور كرده، پرداختيم و مفصل بيان شد كه در معامله و كسب و كار، از ربا، اهتكار، غل و غش در معامله، كم‌فروشي و گران‌فروشي و محورهاي متعدد ديگر نهي شده است كه با استناد به روايات و توصيه‌هاي ائمه‌ي معصومين ذكر كرديم. اگر به اندازه‌ي مسائل اخلاقي كه در اسلام براي كسب و كار و تجارت ذكر شده، در جامعه مورد توجه قرار بگيرد و فرهنگ عمومي جامعه بر رعايت آن باشد، ارتباطات اقتصادي سالم‌تر مي‌شود. اين يك بخشي بود كه در چند هفته‌ي گذشته مطرح شد. در رابطه‌ي مسائل اقتصادي و مصرف هم مسائل اخلاقي وجود دارد كه در يكي دو خطبه به اين موراد خواهيم پرداخت.

بحث‌هاي گذشته‌ در رابطه با نكته‌ها و مسائل اخلاقي بوده كه اسلام براي كسب و كار و تجارت ذكر كرده بود و در ادامه به سلسله‌ بحث‌ها و محورها و موضوعات اخلاقي كه اسلام در باب مصرف ما را به آن موظف كرده، خواهيم پرداخت. بنابراين در خطبه‌هاي گذشته به مسائل اخلاقي در رابطه با كار و تجارت و كارهاي توليدي و خدمات پرداخته شد و خطبه‌هاي بعدي كه از اين هفته شروع خواهيم كرد، دستورات اخلاقي است كه در زمينه‌ي مصرف، بايد به آن‌ها توجه داشته باشيم؛ يعني همان‌طور كه خداوند براي كار و به دست آوردن مال براي ما دستورات و مقرراتي را بيان كرده و راه‌هايي را نشان داده، اخلاق‌هايي را هم براي بعد از به دست آوردن مال و چگونگي هزينه‌ي آن معين فرموده است. موضوعات اخلاقي در اين زمينه را هم، اسلام و اولياي الهي و پيامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله و ائمه‌‌ي معصومين ذكر كرده‌اند.

#### نظريه‌هاي مصرف و هزينه

انسان از يك طرف بايد كار كند و درآمدي كسب كند تا زندگي خود را اداره كند كه اين، كار توليدي و خدماتي است. در اينجا اسلام، اخلاق معيني را مشخص كرده كه به مقداري از آن پرداختيم؛ نه اين كه همه را بيان كرده باشيم يك بخشي از مسائل مبتلابه كه در ارتباطات و زندگي، بيشتر نياز مي‌شود در چند خطبه گفته شد؛ ولي زماني كه به دست آورد، كسب كرد، تجارت كرد، توليد كرد و منفعتي را به دست آورد، اين مال چگونه بايد مصرف شود؟

##### **نظریه نظام‌هاي سرمايه‌داري**

از ديد كساني كه اعتقاد به خداوند نداشته باشند و الحاد داشته باشند، آن طور كه در نظام‌هاي سرمايه‌داري و امثال اين‌ها هست، ممكن است بگويند: شما پولي كه به دست آورده‌ايد و استفاده‌اي كه در تجارت به دست آورده‌ايد و منفعتي كه به دست آورده‌ايد، اين مال خود شما است و در چيزي كه مال خود شماست فعال ما يشا هستيد و هر كاري مي‌خواهيد بكنيد؛ مال خود شماست و اختيار آن هم به دست خود شماست و هر طور كه مي‌خواهيد مي‌توانيد مصرف كنيد. در نظام‌هاي سرمايه‌داري و در نظام‌هايي كه اعتقادي به مبادي غيبي ندارند، مسائل اخلاقي زيادي در زمينه‌ي توليد و خدمات و كار و كسب، وجود ندارد؛ اما در اسلام، مسائل زيادي وجود داشت كه جامعه را هم سالم مي‌كرد كه در بحث‌هاي گذشته بيان شد. بعد از اين كه انسان چيزي را به دست آورد، كشاورزي كرد، تجارتي كرد و منفعتي برد، توليد كرد و كارخانه‌اي داشت و از آن سودي برد، به هر حال از راه‌هاي مشروع و با رعايت اخلاق اسلامي، چيزهايي را به دست آورد؛ حالا چطور مصرف كند؟ اگر كسي اعتقاد به دستورات الهي و به مقررات الهي نداشته باشد، مي‌گويد: مال خود من است و هر طور كه مي‌خواهم استفاده مي‌كنم. در نظام‌هاي غربي، محدوديت‌هاي كمي وجود دارد.

##### **نظریه نظام اسلامي**

اما در نظام اسلامي اين طور نيست؛ اعتقاد و مبناي فكري اسلامي اين است كه ما و هرچه در اين عالم طبيعت وجود دارد از آن خداوند است. از خودمان گرفته كه **إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُون‏**[[3]](#footnote-3) همه چيز، هر چه كه هستيم از خداست و به خدا هم برمي‌گرديم. عالم طبيعت هم همين طور است؛ از همه‌ي نعم بي‌حد و حصر الهي كه **وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوها** [[4]](#footnote-4) همه‌ي اين نعم الهي، در زمام قدرت الهي است و همان طور كه خدا مقرر فرموده، بايد به كار گرفته شود. اين ديد، ديد اسلامي است، اين طور نيست كه مثل نظام سرمايه‌داري يا نظام الحادي، وقتي كه هر چه بدست آوردم، هر كاري كه خواستم، انجام دهم. خود شما آن تلاشي كه كرديد؛ آن پولي كه به دست آورديد؛ همه‌ي اين‌ها در اختيار خداوند است و تمام آن رفتارها بايد مطابق موازيني باشد كه خدا مقرر كرده است؛ البته خدا به انسان‌ آزادي‌هايي داده است؛ اما در جايي هم انسان را منع و محدود كرده است.

خلاصه‌ي سخن اين كه با رويكرد اسلامي به اين عالم، خود ما و آنچه كه داريم، از آنِ حقيقي خداست. ما اعتباراً يك چيزي را كسب كرديم و آن هم با نعمت‌هايي به دست آمده كه از آنِ خداست. اين مال حقيقي را بايد طبق نظر مالك حقيقي، كسي كه اين را به انسان داده مصرف شود. هم بايد طبق نظر او به دست بيايد و هم حالا كه به دست آمده، بايد طبق نظر او و بر اساس موازيني كه او معين فرموده، مصرف شود. بنابراين كسي خيال نكند كه آزاد است و فعال ما يشاست و هر طور كه مي‌خواهد مي‌تواند مصرف كند؛ در همان حدودي كه خدا اجازه فرموده، مي‌توان مصرف كرد؛ ولي يك حدودي است كه خداوند آن را منع كرده و منع خدا و حدودي هم كه معين شده براي مصلحت خود ماست **«خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيّاً عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِناً مِنْ مَعْصِيَتِهِم»**[[5]](#footnote-5) احتياج به اطاعت ما نداشت و نه در ترس و هراسي از معصيت ما بود. خدا در كمال غني خود هست و هيچ نيازي به انسان ندارد كه جمعه‌اي به نماز بياييم، يا به عبادت بپردازيم، يا به مردم خدمت كنيم، يا آن طور كه او فرموده است اموال خود را جمع كنيم و مصرف كنيم. به هيچ يك از اين‌ها خداوند نيازي ندارد. ذره‌اي تخلف و نافرماني بنده، به قدرت خداوند و حكومت الهي و سلطنت الهي خدشه‌اي وارد نمي‌كند. هر چقدر هم نافرماني كنيم در ملك خدا هستيم و اندك و سر سوزني و مادون آن هم از حيطه‌ي قدرت خداوند امكان ندارد كه بيرون باشيم. اگر هم نافرمانيي مي‌كنيم همه‌ي اين‌ها در حيطه‌ي قدرت الهي است. خداوند به ما نيازي ندارد؛ اما براي خود ما، براي كمال روحي و نفساني ماست كه حدود و مقرراتي را معين فرموده كه بايد رعايت شود و الا **«خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيّاً عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِناً مِنْ مَعْصِيَتِهِم**»[[6]](#footnote-6) هيچ نيازي ندارد **أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَميد**[[7]](#footnote-7) خدا در غناي مطلق خود هست. اين هميشه بايد در ذهن ما باشد كه دستورات الهي، براي خود ماست و يك مقداري از آن است كه معلوم مي‌‌شود كه به مصلحت ماست. شايد يك درصد به مصلحت اين دنياي ماست در حالي كه درصد بالا و اهم آن، چيزي است كه در آن عالم ظاهر مي‌َشود. در مسائل مالي و اقتصادي هم همين طور است. بنابراين هر طور كه بخواهيم نمي‌توانيم كسب كنيم، توليد كنيم، تجارت كنيم، مال جمع كنيم و ذخيره كنيم؛ بلكه بايد طبق نظر مالك حقيقي، قادر و سلطان حقيقي باشد. در مقام خرج و مصرف هم، بايد بر اساس معيارها و ملاك‌هايي عمل كنيم كه خود او معين كرده است. اين مقدمه‌ي اصلي قضيه است كه روي ديد الهي و توحيدي ما بايد اين طور فكر كنيم.

#### محورهاي سلبي مصرف و هزينه

خداوند در زمينه‌ي مسائل مصرف، هم از نظر فقهي و هم از نظر اخلاقي، حدود و مقرراتي را بيان فرموده است. با اين مقدمه، به بحث خود نزديك مي‌شويم.

##### **اسراف و تبذير**

يكي از محورهاي مهم و اساسي در مصرف، كه هم جنبه‌ي فقهي دارد و هم جنبه‌ي اخلاقي، اسراف و تبذير است كه خيلي بايد به آن توجه داشت و خيلي از ما، اگر حساب كنيم مبتلاي به آن هستيم و نبايد خود را، تبرئه كنيم. بايد سعي كنيم اين نقص را از خود دور كنيم. در اسلام يكي از مهم‌ترين مقررات و معيارهاي محدود كننده‌ي مصرف، مسئله‌ي اسراف و تبذير است.

###### اسراف و تبذير در قرآن كريم

اسراف و تبذير كه از محورهاي فقهي و اخلاقي در مصرف هست و كيفيت مصرف مال به شمار مي‌آيد، از خود قرآن شروع شده است. در خود قرآن، هم عنوان اسراف مطرح شده و هم عنوان تبذير. در دو جاي از قرآن كريم آمده است كه **إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين**‏[[8]](#footnote-8) كه اين تعبير، تعبير تندي است كه در موارد معدودي در قرآن آمده است كه خداوند انسان‌هاي مسرف را دوست ندارد. انسان مسرف، مورد محبت الهي نيست. اين بد توبيخي براي مسرفان است كه از دايره‌ي محبت خداوند و مودت الهي، خارج باشد. اين عذاب بزرگي براي او خواهد بود. در دنيا عذاب روحي و رواني بزرگي براي او به شمار مي‌آيد و در آخرت هم ظاهر مي‌شود كه يعني چه؟ در دو جاي قرآن كريم آمده است كه **إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين‏**.[[9]](#footnote-9) يكي در همان آيه‌ي مشهوري است كه **كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين‏**؛[[10]](#footnote-10) بخوريد و بياشاميد، احتياجات معمول زندگي خود را برآورده كنيد؛ ولي اسراف نكنيد. زياده‌روي و بي‌جا مصرف كردن، در كار شما نباشد. خداوند انسان‌هاي مسرف را دوست ندارد. اين يكي از آيات است كه در قرآن كريم آمده است. در آيه‌ي ديگري هم فرموده كه **إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين**.[[11]](#footnote-11) اين تعبير، تعبيري جدي است كه در قرآن كريم آمده است. در هفت، هشت يا ده مورد آمده است كه خداوند اين افراد را دوست ندارد. يك گروهي كه به تصريح قرآن كريم، خداوند آن‌ها را دوست ندارد، مسرفين هستند كه در دو جاي قرآن هم به اين نكته اشاره شده است. مال، مال ما نيست. ما در حيطه‌ي قدرت الهي هستيم و بر اساس ميعار او، بايد عمل كنيم و او اين معيار را فرمود كه **لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين.**[[12]](#footnote-12)اين از يك جهت كه در قرآن كريم اين تعبير آمده است و در جاي ديگر خداوند مي‌فرمايد: **إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّاب**[[13]](#footnote-13)**؛**خداوند، انسان زياد مصرف كن و دروغگو را هدايت نمي‌كند. هدايت و لطف خاص هدايت الهي، شامل كسي كه به عمد در اسراف و زياده‌روي و دروغ‌گويي وارد شده، نمي‌شود و اگر هدايت الهي شامل انسان نشود، وضع انسان معلوم است كه چه مي‌شود. اين هم باز تعبير تند ديگري است كه در اين زمينه در قرآن كريم ذكر شده است. از نظر مصداقي هم بالخصوص، قرآن در مورد فرعون مي‌فرمايد: **إِنَّهُ كانَ عالِياً مِنَ الْمُسْرِفين** [[14]](#footnote-14) ؛‏كه فرعون از مسرفين بود. شايد در دو سه مورد قرآن، عنوان مسرف را بر فرعون تطبيق داده است؛ يعني كسي كه قدرت دارد و اموال را جمع كرده و بعد، اموال را به عنوان مال خود تلقي كرده و هر نوع تجمل و تشريفات و اسراف‌كاري را، براي خود جايز مي‌داند، اين يك نمونه‌ي اعلي يك مسرف است. اسراف مراتبي دارد. از همان اسراف‌هاي معمولي و اوليه‌اي كه در خانه‌ها انجام مي‌گيرد، از مراتب پايين اسراف است تا به اسراف‌هايي برسد كه مستكبران و سرمايه‌اندوزان و مطرفان دارند. نمونه‌ي اعلي آن و ضرب المثل قرآني براي مسرف، فرعون است كه بالخصوص همين عنوان درباره‌ي او تطبيق داده شده است. اين‌ها تعبيراتي است كه **لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين**؛‏[[15]](#footnote-15) خدا مسرفين را دوست ندارد و آن‌ها را هدايت نمي‌كند. نمونه‌ي مسرف، فرعون است و باز تعبيراتي كه در قرآن آمده كه مي‌فرمايد: **وَ لا تُطيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفين**.‏[[16]](#footnote-16) دنبال مسرف‌ها و انسان‌هاي زياده‌رو و پر مصرف،‌ حركت نكنيد.

مصرف شما بر اساس اعتدال و حدود الهي تنظيم شود. فكر نكنيد حالا كه به دست آورديد، حتي اگر مشروع به دست آورده‌ايد مي‌توانيد هر طور كه مي‌خواهيد مصرف كنید. ممكن است كسي بگويد من طبق دستورات الهي به دست آورده‌ام؛ يعني ربا نداده‌ام؛ ربا نگرفتم؛ احتكار نكردم؛ گران نفروختم؛ كم نفروختم؛ غل و غشي در معامله نبوده است و اين نوع معيارهايي كه بيان شد هيچ كدام در كسب مال من دخيل نبوده؛ اما حالا، مال خودم است و هر طور كه بخواهم، مصرف خواهم كرد. اينجا هم حدود الهي وجود دارد و از اهم حدود الهي در مصرف، اسراف است كه با كم و بيش، با درجاتي كه دارد، خيلي از ما به آن مبتلا هستيم. اين تعبيراتي است كه در قرآن كريم آمده است. عنوان ديگري كه در قرآن آمده -كه آيا اين دو با هم متفاوت هستند يا نه، كه بعدا عرض خواهم كرد- عنوان تبذير است. بي‌جا مصرف كردن است. آن هم در قرآن كريم آمده است كه **إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين** [[17]](#footnote-17)؛ انسان‌هاي تبذيركار، برادران شيطان هستند؛ يعني اين قدر به شيطان نزديك هستند. مثل اين كه برادري به برادر خود نزديك است. انساني كه مال را بي‌جا مصرف مي‌كند اگر مال، مشروع نيست كه بايد به سر او كوبيد كه بر خلاف مشروع به دست آورده است. اگر بر خلاف اخلاق اسلامي آن مال كسب كرده، بر او شبه‌ناك است. اما او كسي است كه نه از راه غير شرعي مال را به دست آورده و نه كسي است كه اخلاق اسلامي مال را رعايت نكرده باشد؛ اما مبذر است و بي‌جا مصرف مي‌كند؛ بي‌مورد مصرف مي‌كند؛ آن انفاق‌هاي لازم الهي را انجام نمي‌دهد اين مي‌شود: **إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين**؛[[18]](#footnote-18)اين برادر شيطان و چسبيده‌ي به شيطان و ملازم اوست. اين هم عنوان تبذيري كه از خود قرآن شروع شد. بعدا وارد روايات خواهيم شد و در خطبه‌هاي بعدي عرض خواهم كرد كه داستان، چقدر طولاني است و چه اندازه روايات، در مذمت اسراف، تعريف اسراف، حدود اسراف و بسياري از نكات ظريف و دقيقي كه در مسئله‌ِي اسراف وارد شده است. اين هم مطلب دوم. بنابراين ما در مطلب اول، هم به به‌دست آوردن و هم مصرف كردن مال، بر اساس بينش الهي و توحيدي اشاره كرديم و گفتيم كه معيارهاي مشخص‌ شده‌اي از ناحيه‌ي خداوند وارد شده است و در مطلب دوم هم به اين اشاره شد كه اسرف و تبذير به عنوان دو محور فقهي و اخلاقي در مصرف، از خود قرآن كريم شروع شده است. ما قبل از اين كه به مواردي كه در روايات بيان شده و به جزئيات و تفاصيل اسراف و تبذير بپردازيم، در اين خطبه، اشاره‌اي به تعريف اسراف و تبذير و احياناً فرق اين دو با استناد به شواهدي كه از آيات و كتاب‌هاي لغت به دست مي‌آيد، خواهيم داشت و بقيه‌ي بحث ان‌شاالله در خطبه‌هاي ديگر.

###### اسراف و تبذير در لغت و اصطلاح

در حدي كه من به چند لغتنامه‌ي عربي، مثل تاج العروس و مجمع البحرين كه از كتاب‌هاي مشهور لغت عرب به شمار مي‌آيند، مراجعه كرده‌ام تا حدي كه وقت، اجازه دهد، به تعريف اين دو كلمه خواهيم پرداخت.

در برخي از تعبيرات آمده كه اكل ما لا يحل، اسراف؛ يعني خوردن چيزي كه حلال نيست. البته اين يك مصداق براي اسراف است و معناي اصلي آن نيست؛ يعني اگر چيزي كه براي انسان حلال نيست، مصرف شود، اين يك مصداقي از اسراف است. در جاي ديگر آمده، اسراف اين است كه در غير اطاعت خداوند انفاق و مصرف كنيد. مال، در غير اطاعت الهي مصرف شود. اين هم تعبير ديگري است. اين هم ظاهراً بايد مصداقي از اسراف باشد. در جاي ديگري مي‌گويند: اصل اسراف از جهل است و مقابل غصب قرار مي‌گيرد؛ يعني ماده‌ي اصلي س ر ف از جهل و ناداني است. در يكي ديگر از كتاب‌هاي لغت آمده: ماده‌ي اصلي اسراف، از خطا يا غفلت است و در برخي از تعبيرات هم آمده: اسراف همان مجاوزه الغصب؛ از حد اعتدال عبور كردن را اسراف مي‌گويند. اين‌ها تعبيراتي است كه در لغت آمده است. اگر ما بخواهيم تجزيه و تحليل طولاني نكنيم و يك جمع‌نبدي مختصري داشته باشيم، معناي اصلي اسراف در لغت عرب همان، جهل و خطاست. خطاكاري و كار از روي خطا و جهل است. اين معناي اصلي اسراف است.

بر همين اساس معناي اصطلاحي اسراف، عبور از حد مقرر شده‌، آن حد اعتدالي كه در قرآن كريم هم آمده و در روايات هم در مقابل اعتدال قرار گرفته است، خواهد شد. يك انسان حد اعتدال و متوسطي در مصرف و زندگي خود دارد؛ اسراف يعني از اين حد اعتدال بگذرد. حال مقداري از اين حد اعتدال را خود انسان متوجه مي‌شود و مقداري هم چيزهايي است كه خدا براي ما معين كرده است؛ مثلا دادن وجوهات، چيزي است كه خدا معين كرده، كه همان اعتدال است. جايي هم هست كه حدود دقيق آن در قرآن كريم نيامده كه به عرف موكول مي‌شود. به هر حال اسراف، در مقابل اقتصاد است. اقتصاد يعني رعايت اعتدال در مصرف و شئونات زندگي؛ از همه‌ي شئونات زندگي گرفته خورد و خوراك و غيره، مقابلش اسراف خواهد بود؛ يعني گذشتن از حد، يعني با جهل و خطاكاري، انسان از آن حدِ مقرر الهي و حدِ اعتدال، عبور كند. از خط اعتدال كه بگذرد، اسراف ناميده مي‌َشود؛ اسرف في امره. اين معناي اسرافي است كه در لغت آمده است.

اشاره‌اي هم به ماده‌ي تبذير داشته باشيم. اصل تبذير از ماده‌ي ب ذ ر است كه به معناي دانه و تخمي است كه در كشاورزي به كار مي‌رود. تبذير از نظر لغوي يعني كسي كه دانه‌هاي گندم و تخم كشاورزي را روي اصول درستي، پخش نكند و از روي پراكندگي روي يك هكتار زمين بدون حساب و كتاب، پخش شود. تبذير در لغت به معناي همين است؛ يعني تفريق بي‌جاي دانه. بي‌جهت و بي‌حساب و كتاب دانه‌ها را پاشيدن. بدون اين كه حساب و كتابي در كار باشد. مثلا گندمي در يك زميني بدون حساب و كتاب و نظم، به صورت پراكنده شود كه ممكن است خيلي ثمر هم ندهد. اين معناي تبذير در لغت است و در اصطلاح هم همان مصرف بي‌جاست.

##### فرق بين اسراف و تبذير

نكته‌اي كه در اينجا مطرح است اين است كه آيا تبذير و اسراف با هم فرق دارند يا نه؟ در اينجا هم چند وجه براي اسراف و تبذير در كتاب‌هاي لغوي، گفته شده است. برخي مي‌گويند: تبذير و اسراف يك معنا دارند؛ **إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين**‏؛[[19]](#footnote-19) يعني همان اسراف‌كننده‌ها. آياتي هم كه در مورد اسراف آمده كه **كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفين**؛‏[[20]](#footnote-20) يعني تبذير. بنابراين، اين دو كلمه با هم تفاوتي ندارند؛ يعني مصرف بي‌جا و از حد اعتدال عبور كردن. اين يك نظر هست. در برخي از كتاب‌هاي لغت، بين اسراف و تبذير فرقي ذكر كرده‌اند كه اين را نيز بيان مي‌كنيم. ظاهراً در مجمع البحرين باشد كه مي‌گويد: قد فرق بيه و بين الاسراف بان التبذير الانفاق في ما لا ينبغي و الاسراف الصرف زيادة علي ما ينبغي. مي‌گويد: فرق اسراف و تبذير اين است كه تبذير اين است كه در موردي كه اصلاً آنجا جاي خرج كردن نيست، خرج كنيم. مثلا پولي را به عنوان رشوه بدهد؛ پولي را در يك گناهي مصرف كند؛ پول را براي انجام گناه بدهد؛ براي خريد ابزار گناه و لذت غير مشروع مصرف كند. اين تبذير است؛ يعني پول را بي‌جا مصرف كردن؛ يعني جاي اين هزينه نيست و پول در اينجا مصرف شود. اين معناي تبذير است. انفاق و صرف في ما لاينبغي؛ يعني اصلاً آن مصرف، باطل و حرام و غير صحيحي باشد؛ اين را تبذير مي‌گويند. اما در مورد اسراف اين طور مي‌گويد: الاسراف الصرف زياده علي ما ينبغي؛ اسراف يعني اين كه در جاي خود مصرف مي‌كند ولي بيش از حد لازم است. براي ازدواج هزينه مي‌كند؛ اين مصرف درستي است؛ اما بيش از حد لازم. تبذیر مثل دانه‌هايي است كه روي يك زمين شوره‌زار بريزد يا پراكنده بريزد بدون اين كه اثري بدهد. بنابراين تبذير يعني انسان مال خود را در جايي هزينه كند كه هزينه‌ي باطلي است؛ مثل اين كه انسان در گناه مالش را هزينه كند و اسراف يعني مصرف مال در آنجا درست است؛ اما بيش از حد مصرف مي‌كند. اگر اين فرق را بپذيريم، آن وقت تبذير يك چيز بدتري خواهد بود **إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطين**‏؛[[21]](#footnote-21) يعني در راه غير مشروع و غير صحيح، آن را خرج كند كه يك ريال هم نبايد در آنجا هزينه كند. مثل اين كه رشوه بدهد؛ اما اسراف اين است كه هزينه‌ي زندگي است و بايد هزينه كند ولي اين متناسب با شئونات زندگي او نيست و فراتر از آن است. اين فرقي است كه در لغت آمده است.

در بيان ديگري آمده: تبذير تجاوز في موضع الحق و هو جهل في الكيفية و الاسراف تجاوز في الكمية؛ تبذير آن است كه از نظر كيفيت از حد عبور كند؛ يعني در جايي كه نبايد مصرف كند، مصرف مي‌كند؛ ولي اسراف، تجاوز از كميت است؛ يعني اصل آن اشكالي ندارد اما بيش از حد مصرف مي‌شود. دو يا سه يا چهار دفتر براي دانش‌آموز يا دانشجو لازم است ولي بي‌جا پنج يا ده تا مي‌گيرد. اصل آن لازم است اما از خط اعتدال عبور مي‌كند. اين فرقي است كه بين تبذير و اسراف ذكر شده است. در هر حال باز تاكيد مي‌كنم كه اين بخش از مسائل اخلاقي اقتصادي اسلام كه از امروز شروع كرديم، اخلاق اقتصادي اسلام در مصرف است. آن اخلاق اقتصادي كه در هفته‌ي قبل مورد بحث بود، در مورد كار و توليد و تجارت بود و از اين به بعد هم درباره‌ي مصرف است و مهم‌ترين ميعار اخلاقي و فقهي، مسئله‌ي اسراف و تبذير است كه از خود قرآن با آن تاكيدات شروع شد و از نظر لغت هم معناي آن اين بود كه عرض شد. در فرصت بعدي نيز از جزئيات اسراف و خيلي نكات ظريف و جالبي كه در روايات هست بحث خواهيم كرد. از خداي متعال مي‌خواهيم كه به ما توفيق دهد همان طور كه اين‌ها را مي‌گوييم و مي‌شنويم، توفيق عمل و بكار بستن اين تعاليم و دستورات ديني را عنايت بفرمايد. **بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ، وَالْعَصْر، إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ**

## خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد**  **و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم** ‏**یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ**[[22]](#footnote-22) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

بار ديگر همه شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را به پارسائی، تقوای الهی و خویشتن‌داری از گناهان و آلودگی‌های روحی و اخلاقی سفارش و دعوت می‌کنم. تقواي خداوند و روحيه‌ي ترس از عذاب الهي و اميد به رحمت خداوند، اساس زندگي ايماني ماست. همه‌ي زندگي ما، با ايمان و تقوا، ذكر و ياد خدا و پارسايي و تقواي الهي معنا پيدا مي‌كند و سلامت و سعادت فرد و جامعه‌ و زندگي فردي و اجتماعي ما در پرتوي تقواي خداوند، پارسايي و دوري از گناهان، اصلاح نفس، كوشش در اصلاح نفس و بازداشتن نفس از گناه و معصيت، ميسر هست. اميدواريم كه خداوند به همه‌ي ما و به امت اسلام و به اين ملت بزرگ الهي، توفيق تقواي خود و ادامه‌ي راه اولياي الهي و شهداي بزرگوار را عنايت بفرمايد.

### دو نكته از مسائل جهاني

در اين خطبه هم در اين دقايقي كه فرصت هست با توجه به اين كه در چند خطبه، مسائل داخلي و منطقه و مسائل آموزش و پرورش و تعليم و تربيت را مطرح كرديم؛ در اين خطبه نيز يكي دو نكته از مسائل جهاني اسلام و خارجي اسلام را مطرح مي‌كنيم. همان طور كه برادران و خواهران از رسانه‌ها اطلاع دارند، در اين برهه‌ي اخير دو سه جريان و گزارش و خبر در دنيا، خيلي حساس و براي ما هم بسيار درس‌آموز بود.

#### پاپ و نقد فرهنگ آمريكايي- غربي

در مدتي قبل كه پاپ رهبر مسيحيان جهان، به آمريكا مسافرت كرد، در آمريكا سخنراني‌هايي داشت و در يكي از سخنراني‌ها به شدت فرهنگ آمريكايي و فرهنگ غربي را مورد انتقاد قرار داد. پاپ روي چند مسئله تاكيد كرد اين براي بيداري ما و هوشياري خانواده‌هاي ما و جوانان ما كه در مسير غرب قرار نگیریم و همان راه رفته‌ي پوچِ باطل آن‌ها را دوباره، طي نكنيم خيلي آموزنده است.

##### **رشد فساد و فحشا و بي‌معنا شدن خانواده**

پاپ در سخنراني خود گفت: فرهنگ آمريكايي به شدت ضعيف شده و فساد و فحشا در آمريكا بي‌داد مي‌كند و بر اثر شيوع فساد و فحشا، مخصوصا در بين جوانان‌ها و نوجوان‌ها، موجب اين شده كه كانون خانواده، تقريباً بي‌معنا شود. اين يك خطر بسيار بزرگ در غرب است. روزي خطر رواني بزرگي كه در آنجا هست، سر آن‌ها را به سنگ خواهد زد. وقتي كه انسان و جامعه‌ي غربي، شهوات خود را در يك مسير كنترل‌ شده و هدايت شده قرار نداد؛ وقتي كه افسار شهوات آزاد گذاشته شد؛ وقتي شهوات لجام‌گسيخته بر جامعه‌ي آمريكايي و غربي حاكم شد؛ وقتي كه نوجوان‌هاي آن‌ها، دختران و پسران، در سنين كودكي و نوجواني و سنين بسيار پايين، در زشت‌ترين مفاسد و افتضاحات اخلاقي افتادند؛ وقتي كه در آمريكا و انگليس همجنس‌بازي كه مظهر زشت‌ترين ارتباطات شهواني انسان‌هاست رسميت پيدا كرد، كار به جايي مي‌رسد كه روزي پاپ و خود كلينتون و شخصيت‌هايي كه تا حدودي چيزي مي‌فهمند، خود آن‌ها اعتراف مي‌كنند كه ما در لبه‌ي پرتگاه قرار داريم. شما حساب كنيد در يك جامعه‌اي، به كانون خانواده كه مظهر ارتباطات عميق، عشق، جاذبه‌ها، علائق، محبت و تربيت نسل يك كشور هست، خللي وارد شود. آمار و ارقام‌ها مي‌گويند: اكثر بچه‌ها به صورت غير مشروع به دنيا مي‌آيند. آمار و ارقام‌ها مي‌گويند: اكثر ازدواج‌ها به طلاق مي‌انجامد. آمار و ارقام‌ها مي‌گويند: اكثر بچه‌ها دور از پدرانشان زندگي مي‌كنند. آمار و ارقام‌ها مي‌گويند: كم‌تر كسي رغبت به تشكيل خانواده دارد. از اين جامعه چه چيزي باقي مي‌ماند. اول، از همان گسيختگي افسار شروع مي‌شود. وقتي كه انسان مي‌خواهد آزادي حيواني داشته باشد و آن لجام الهي را به شهوت نزند و شهوات را در مسير درست اعمال نكند و كنترل نشود، عاقبت اين طور مي‌شود كه آمار و ارقام‌ مي‌گويد: همه‌ي خانواده‌ها در معرض فروپاشي است؛ اكثر فرزنداني كه در آمريكا و كشورهاي غربي، متولد مي‌َشوند نامشروع هستند. اكثر بچه‌ها محبت خانواده و پدر را احساس نمي‌كنند. اين‌ها امراض روحي و رواني بسيار عجيبي را ايجاد مي‌كند. ما الان در هفته‌ي بهداشت رواني هستيم. يكي از مهم‌ترين مسائل بهداشت رواني اين است كه خانواده‌ها سالم باشند؛ روابط خانوادگي مستحكم و استوار باشد؛ محبت بر آن‌ها حاكم باشد؛ فرزندان احساس محبت و علاقه كنند. وقتي لجام شهوت گستخته شد و جوان در مسير شهوت افتاد، سن ازدواج بالا مي‌رود؛ رغبت به ازدواج تمام مي‌شود؛ درخت تعهد نسبت به خانواده، خشك مي‌شود. آن هم آمار و ارقام‌هايي كه به گوشه‌اي از آن‌ها اشاره شد. اگر قرار بود كه در مورد اين‌ها صحبت كنيم، آن قدر آمارهاي تكان ‌دهنده‌اي در فرهنگ غربي وجود دارد؛ آن قدر صحنه‌هاي زشتي وجود دارد كه دل انسان را تكان مي‌دهد. البته دل آن‌ها مي‌خواهد كه ما هم در مسير آن‌ها باشيم؛ ولي عاقبت، اين چيزي است كه صداي پاپ را هم در مي‌آورد. اين يك حادثه‌اي بود كه از مهم‌ترين چيزي‌هايي است كه بهداشت رواني غرب و كانون خانواده را و سلامت نسل آينده را، در غرب تهديد مي‌كند. ما هم در معرض اين خطر هستيم؛ اگر بيدار نباشيم.

#### تبعيض نژادي در آمريكا

حادثه‌ي دوم هم تظاهرات سياه‌پوستان، در واشنگتن بود كه از تظاهرات و تجمعات كم‌نظير سياه‌پوستان در آمريكا به شمار مي‌آمد. نظير اين تظاهرات شايد يكي دو مورد بيشتر اتفاق نیفتاده باشد. در آمريكا 27 ميليون سياه‌پوستان وجود دارد. چندين ميليون سرخ‌پوستاني هستند كه آمريكا، سرزمين اصلي آن‌ها بوده است. اين‌ها به آمريكا سفر كردند و آن‌ها را مظلومانه تار و مار كردند و آنجا را تصرف كردند و هيچ اعتنايي هم به حقوق آن‌ها نكردند. غير از سرخ‌پوست‌ها 27 –30 ميليون سياه‌پوست، در آمريكا وجود دارد يعني غريب 12-13 درصد جمعيت آمريكا سياه‌پوست هستند. اين در حالي است كه در معرض شديدترين فشارهاي روحي و جسمي هستند. بدترين كارها و سخت‌ترين كارها براي آن‌هاست. كم‌ترين ارزش برايشان قائل هستند. همان جايي كه اين قدر ادعاي گزاف طرف‌داري حقوق بشر را دارند؛ همان جايي كه چماق حقوق بشرشان، براي كوبيدن بر سر مظلومان عالم، اين قدر آماده است، اين طور سياه‌پوستان در آمريكا در متن كشور خود، مورد بدترين ظلم‌ها و ستم‌ها و تبعيض‌هاي ناروا قرار دارند.

##### **رغبت جامعه‌ي سياه‌پوستي به اسلام**

هم گزارش‌ها مي‌گويد و هم كساني كه مدتي قبل به آنجا رفته بودند و گزارش‌هاي خوبي فرستاده بودند، نشان مي‌دهد كه در برهه‌ي اخير رغبت عجيبي در جامعه‌ي سياه‌پوستي آمريكا، به اسلام هست كه صهيونيست‌ها و آمريكايي‌ها و سياستمداران آن‌ها احساس خطر مي‌كنند و در همين تظاهرات ميليوني، كه به صورت آرام هم برگزار شد، عمده رهبري آن‌ها به دست مسلمانان بود. سياه‌پوستان ارزش انساني خود را در اسلام ديدند. آن‌ها مي‌دانند كه با آمدن پيامبر اسلام، ارزش‌هاي جاهليتي و نژادي لغو شد و در عمل هم آن را نشان داد؛ نه در ادعاهاي دروغيني كه امروز غرب دارد و اگر روزي بيش از اين فشار بر اين‌ها وارد شود و اين نوري كه از اسلام به دل آن‌ها تابيده شده، بيش از اين بروز و ظهور هم پيدا خواهد كرد و اين هم حادثه‌ي ديگري بود كه تهي بودن و فرسودگي فرهنگ غرب را به ما نشان مي‌دهد.

#### درس‌آموزي اين دو قضيه براي ما

اين دو قضيه خيلي بايد براي ما منشاء توجه باشد. يكي ارزش‌هاي اخلاقي در جامعه كه اگر زير پا گذاشته شود، اول ممكن است خيال كنند كه براي جوانان لذت‌بخش است؛ ولي عاقبت آن، فروپاشي كانون خانواده و اين همه اسارت‌ها و بدبختي‌هايي است كه خود آن‌ها الان متوجه آن هستند. در چند صد سال قبلي كه در غرب اجازه داده شد بدحجابي رايج شود؛ همان روزي كه اجازه داده شد شهوات آزاد باشد و همان وقتي كه روابط نامشروع را آزاد گذاشتند، پايه‌ي اين فرسودگي و پوچي اين فرهنگي غرب را ريختند و امروز در اين آتش، خواهند سوخت و اين چيزي نيست كه بتوانند از آن فرار كنند و از آن طرف محور دوم، تبعيضات ناروا و بي‌توجهي به حقوق يك اقليت بزرگ كه عمده هم به سمت اسلام گرايش دارند. اين هم نكته‌ي ديگري است كه در فرهنگ آمريكايي ديده مي‌شود و براي ما درس است كه خود را بسازيم و اهداف و آرمان‌ها را حفظ كنيم. با صبر و مقاومت و وحدت و انسجام و با حفظ ارزش‌هاي بنيادين خانواده و اخلاقي و در خانواده‌ها و مراكز علمي و آموزشگاهي، اين كشور را از اين بلاها نجات دهيم. اميدواريم كه خداوند همه‌ي ما و امت اسلام را از اين خطرها و آسيب‌ها محفوظ بدارد.

## دعا

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت خودت منور بفرما شر دشمنان اسلام را به خودشان بازگردان امت اسلامی را در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها سرافراز بفرما خدایا باران رحمت و برکات مادی و معنوی خودت را بر ما و ملت ما نازل بفرما شهیدان ما را با سالار شهیدان محشور بفرما اموات و درگذشتگان ما و اموات این جمع و شرکت‌کنندگان در جمعه‌ها را که به رحمت خدا رفتند مشمول عنایت و رحمت خود قرار بده روح بلند امام و مراجع گذشته را با اولیای خودت و سالار شهیدان محشور بفرما خدایا ما را پیروی راه اسلام قرار بده سلام و درود خالصانه ما را به محضر امام سجاد و حضرت ولی‌عصر امام هادی امام عسکری و ائمه هدی ابلاغ بفرما بر فرج امام زمان تعجیل بفرما خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری را مؤید و منصور بدار ما را از سربازان آن حضرت قرار بده گناهان ما را ببخش و بیامرز.

نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الراحمین. اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر واهله.

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره‌ي توبه، آيه‌ي 119. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره‌ي بقره، آيه‌ي 156. [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره‌ي نحل، آيه‌ي 18. [↑](#footnote-ref-4)
5. . نهج البلاغة، خطبه‌ي 192. [↑](#footnote-ref-5)
6. . نهج البلاغة، خطبه‌ي 192. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ي فاطر، آيه‌ي 15. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سوره‌ي انعام، آيه‌ي 141 و سوره‌ي اعراف، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان. [↑](#footnote-ref-9)
10. . سوره‌ي اعراف، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-10)
11. . سوره‌ي انعام، آيه‌ي 141 و سوره‌ي اعراف، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-11)
12. . سوره‌ي انعام، آيه‌ي 141 و سوره‌ي اعراف، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-12)
13. . سوره‌ي غافر، آيه‌ي 28. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره‌ي دخان، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره‌ي انعام، آيه‌ي 141 و سوره‌ي اعراف، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-15)
16. . سوره‌ي شعرا، آيه‌ي 151. [↑](#footnote-ref-16)
17. . سوره‌ي اسراء، آيه‌ي 27. [↑](#footnote-ref-17)
18. . همان. [↑](#footnote-ref-18)
19. . سوره‌ي اسراء، آيه‌ي 27. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره‌ي اعراف، آيه‌ي 31. [↑](#footnote-ref-20)
21. . سوره‌ي اسراء، آيه‌ي 27. [↑](#footnote-ref-21)
22. . سوره آل‌عمران، آیه 102، صفحه 63. [↑](#footnote-ref-22)